

ادبیات عهد قدیم

ادبیات هر ملت بستگی کامل با طرز تعیش و درجه احساسات آنها دارد. بهر اندازه اوضاع طبیعی يك مملکت از حیث مناظر و افق دلپذیر تر باشد روح عشق و قریحه ذوق در مردمش زیادتز و بهمان نسبت ادبیات آن محیط بر سایر جاها برتری خواهد داشت

افق روشن و آسمان شفاف و قشنگ یونان آنهمه فلاسفه و نواع ادبی را تربیت کرده

تأثیر بیابانهای هموار و منظره های باز بادیه در عربستان عامل عمده پیدایش شعرای عالیقدر آن مملکت است

بالاخره آسمان مضافاً و دامنهای کوهستانی قشنگ ایران مهیج احساسات رقیق و عواطف شاعرانه در سکنه خود گردیده بطوریکه تمام افرادش از عالی و دانی، عارف و عامی شاعرند. کوه نشینهای این مملکت با نداشتن قریحه اکتسابی ذوق ادبی دارند و سرودهای شورانگیز آنان را کم و بیش همه ما شنیده ایم

مقصودم از این تمهید، تذکر بیک اصل است که نتبعات تاریخی و اجتماعات عامی معاصر نیز آنرا تأیید میکنند آن يك اصل وجود شعر و نشیدهای روح بخش بنام معنائش در ایران قدیم است بطوریکه باید گفت تمام افراد قدیم این مملکت نیز مثل مردمان امروز دارای قریحه شعر و ذوق ادبی بوده و از مناظر دلپذیر طبیعت نثرانی داشته و در میانشان شعرا و نویسندگان و نقاشها و موسیقی دانهای عالیقدر بوده که دستبرد زمان و حوادث بکلی آثار آنان را از میان برده و مثل سایر اوضاع و گذارشات تاریخی

آن عهد این قسمت نیز که جزئی از تاریخ است مندمج و تاریک شده و اگر امروز اطلاعی از اوضاع ادبی و سیاسی ایران قدیم در دست باشد مرهون زحمات علمای اروپائی از قبیل دومرگان، دیولافوا، هک، وست، جکسن و غیره است که از سی سال قبل تا بحال در اینراه اکتشافاتی بعمل آورده اند

تاریخ ادبیات عهد قدیم موافق مدارك و اسناد از ابتدای قرن هفتم قبل از میلاد شروع و در نیمه قرن هفتم میلادی ختم میشود

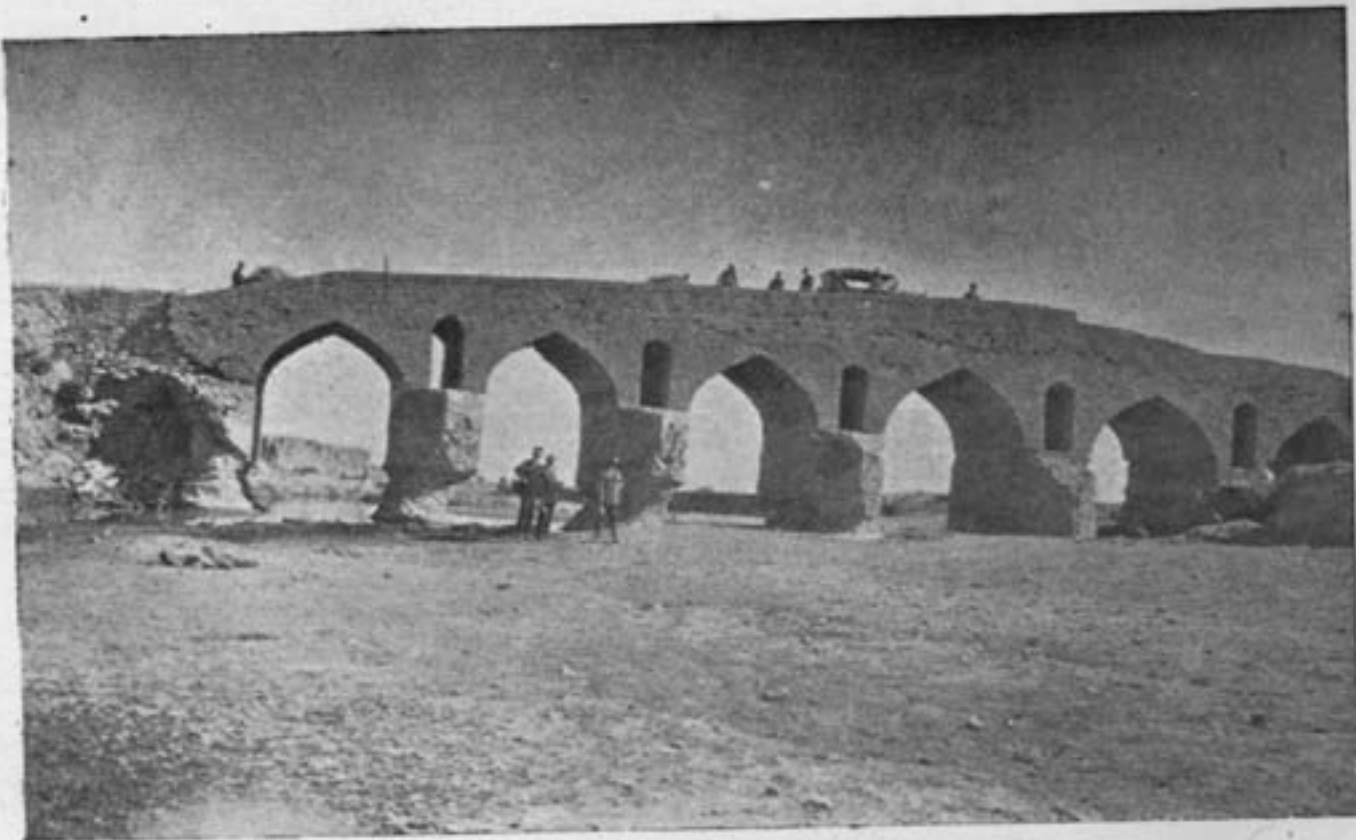
از آثار ادبی در خلال این عهد متمدن اثری نیست و اگر هم باشد متکی بحدس و تقریب است ولی همانطور که گفتم تتبع وجود آنها را بطور کمال ثابت کرده چنانکه باید گفت ایرانیان قدیم در نقاشی و موسیقی و شاعری و نویسندگی مثل سایر قسمتها از سایر ملل شرقی جلو بوده اند

اولاً، نقاشی در زمان مدها رواجی بسزا داشته و حجاری های دخمه موسوم بدکان داود (نزدیک سرپل مابین قصر شیرین و کرمانشاه) و دخمه موسوم باطاق فرهاد (در دیران لرستان پیدا شده) و دخمه ای که در ده نو اسحق اوند (نزدیک کرمانشاه) و بالاخره آن يك که در صحنه کرمانشاه واقع است این معنی را تأیید میکند (زیرا که هر تیفلد الهائی فاضل معاصر آنها را از دوره مدها میدانند) و در دوره های بعد قاعدتاً بیش از پیش بوده بعلاوه که کتیبه ها و نقوش سلاطین هخامنشی و اشکانی و ساسانی واقع در استخر و بیستون و غیره مؤید این مطلب است تا چه رسد بنامه ارژنگ مانی و نقاشیهای قشنگ ان که در دوره ساسانیان بوده و پهلوان میدان شعری مشرق زمین بخصوص ایران گردیده

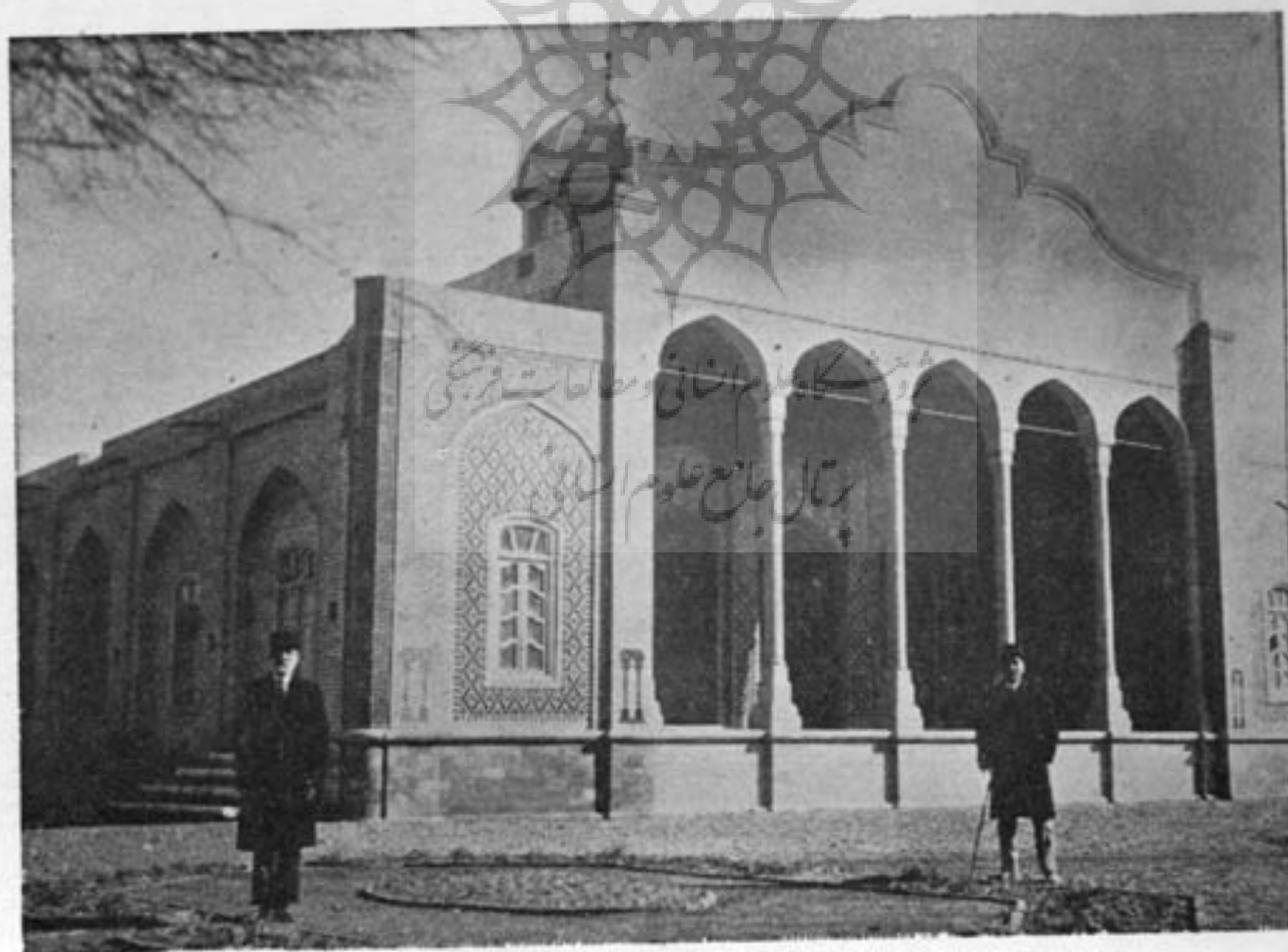
ثانیاً موسیقی که وجودش در تمام اقوام و ملل حتی وحشیدان محرز است بخصوص که ایران زمام دار تمدن دنیای امروز بوده کانیهای اوستا که عنقریب متذکر میشویم موزونند و برای خواندن آنها اهنگ ها و ترانه ها بکار میرفته و نوازندگی در دوره اشکانیان موقعیت مهمی را احراز کرده بطوریکه مغنیان جزء ملازمین رکاب و شکوه درباری بوده اند و این احترام در دوره ساسانیان زیادتیر شده و بهمین مناسبت در این عصر موسیقی دانهای کامل از قبیل باربد - نکیز - امشاذ - سرکش - رامتین ظهور کرده و الحان زیادی مثل خسروانی - یالیزبان - آزادوار - شبدبز - شادروان مروارید - کنج بادآور - سبز بهار - مهرکان - کین سیاوش - سبز در سبز بند شهریار - تخت اردشیر و صدها که در کتب اسلامی مذکور است اختراع نموده اند

- عودی کوید باربد ۳۶۰ لحن برای خسرو پرویز ترتیب داده بطوریکه در عرض سال هیچ لحنی تکرار نشود (از میدان آلات موسیقی ایندوره چنگ سغدی شهرتی دارد چنانکه منوچهری میگوید: این زند بر چنگ های سغدیسان یالیزبان

ثالثاً شعر چنانچه عرض شد نسبت به مردمان قدیم این مملکت که دارای افق های روشن است از سایر جاها طبیعی تر بنظر میاید بعلاوه کانیها (قدیمترین قسمت های اوستا) شعر سیدلابی هشت هجائی است و ارتور کریستن سن عالم دانهازی از یروفور اندریاس ایران شناس معروف نقل کرده که در کتب سنگی شاپور (واقع در حاجی آباد) قسمتی که بنطق شاه ختم شده شعر سیدلابی است و همین طور بعضی نوشتجات تورفان که اخیراً



پل شهر طوس



مقبره نادری

دست آمده ابن مقفع مینویسد و قتیکه در زوبه طیب کلیل و دمنه را از
هند : ابن سیران آورده انوشیروان جشنی برپا کرد و شعرا در آن جشن
اشعاری سرودند

و نیز مصراع شعر منسوب به بهرام چون نساقل آن اشخاصی از قبیل
ابن خرداد (صاحب المسالك) و تعالی هستند با قطع نظر از صحت و عدم
مؤید این معنی است

در اینجا نگفته نگذریم که بعضی متعرضند در قصر شیرین کتیبه ای
بوده که این شعر بر آن نقش گشته

هژیرا بکیتی انوشه بندی جهانرا بدیدار انوشه بندی
رابعاً نویسنده کی - محقق شده که این صنعت در تمام دوره های ایران
قدیم بنحو کاملی وجود داشته بخصوص در دوره ساسانیان که رومانیهای

ادبی و اخلاقی زیاده نوشته اند و کتبی که بزبان پهلوی از اواخر این
دوره و اوائل اسلام در دست است بطور تحقیق ماخذ آنها از قدیم است
برای نمونه اسامی ذین را که مربوط باین قسمت از کتب است متذکر میشویم

۱- کارنامه اردشیر (که در آخر قرن ششم نوشته شده)

۲- یادگار زویران (شاهنامه گشتاسب یا پهلوی) که بعضی مربوط

بسنه پانصد میلادی میدانند

۳- درخت اسور

۴- خسرو گوانان و غلام پیش خدمت او

۵- عجائب مملکت سگستان، و عده دیگر که از ماخذ پهلوی گرفته شده

این بود جمعی از تاریخ ادبیات عهد قدیم که در دسترس ما بوده

ولی میتوان بمظان انکلیسی و الهامی و فرانسوی انها مراجعه کرد و در فارسی کتابیکه نسبتا در این خصوص با دقت و صحت بسط مقال داده تاریخ مشیرالدوله است اینک کلام خود را بهمین جا خاتمه داده و تصدیق میکنم باعث تصدیق شدم

(انجمن ادبی خراسان)

کنفرانس فاضل دانشمند آقا سید حسن صاحب الزمانی

در نخستین شب انجمن حضرت اقدس والا شاهزاده افسر شیخ رئیس ادیب هوشمند ایران نطقی ایراد فرموده و حاصل آن محاکمهای بود بین دو دسته از ادباء ایران که هر دو دسته طرف افراط و تفریط پیموده اند زیرا از اختلاط زبان امروزی ایران به پاره از لغات عرب ادبا را بخود مشغول داشته و جدالی ایجاد کرده دسته ای چندان برای افراط رفته که کلمات مشکله عرب را که باید برای فهم معانی آنها چند جلد کتاب لغة مطالعه کرد در محاوره و منظوم و منظوره آورده يك طرز تازه از زبان عربي و فارسي داده اند که نه عربي است و نه فارسی! و دسته دیگر چندان از استعمال کلمات عربي استیحا ش کرده در زحمت افتاده اند که برای اعراض از الفاظ عربي کلمات غریب و عجیبی پیدا کرده و در محاوره و ترجمه ها بکار برده اند که انسان پس از استماع ان کلمات علاوه بر آنکه معانی آنها را نمیفهمد تصور میکند که يك گلوله فلزی تو خالی را در يك صحراي پر سنك رها کرده اند که از خوردن ان گلوله باین سنك و ان سنك يك آوازه های گوش خراش احداث شده انسان را دچار حیرت میکند! و برای این معانی چند مثالی هم ذکر فرمودند سپس فرمودند امروز ناچاریم همین لغات معموله را که از